



10.30495/QSF.2023.1905345.2228

Research Article

Quranic Fundamentals and Legitimacy Regulations of Governmental Agencies Controlling the Privacy

Mino Khaki¹, Sayed Mostafa Mohaqeq Damad^{2*}, Mahdi Dargahi³

Abstract

This research performed with a descriptive- analytical approach aimed at studying the level, necessity and limits of legitimacy for protecting system, national and public interests as well as their contention and interaction with the individuals' privacy. The importance of the research problem is that the individuals in the society and as a collective life are of different rights including personal and social ones where, in practice, those rights partly are in contention with other's right and public interests. Hence, to establish the social order, it is required to refer to inclusive rules, which respects, from one hand, the personal rights and freedoms as privacy and protects, from the other hand, the social rights or public interest. Consequently, considering the jurisprudential resources as well as referring to the legal fundamentals and statutes based on the public wisdom, it can be stated that the rules legislated for the purpose of protecting the system and public interests have been established generally and in fact for protecting the privacy and peace of individuals though at times interfering and in contention with protecting the individuals' privacy.

Keywords: Privacy, Rule of domination, Rule of principle of non-guardianship, Public interests, Monitoring contention

How to Cite: Khaki M, Mohaqeq Damad SM, Dargahi M., Quranic Fundamentals and Legitimacy Regulations of Governmental Agencies Controlling the Privacy, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):189-208.

1. Phd Student in the Field of Jurisprudential Religions, University of Religions And Religions, Qom, Iran

2. Professor, Department of Islamic Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor of the Al-Mustafa International University, Qom, Iran

Correspondence Author: Sayed Mostafa Mohaqeq Damad

Email: m_mohaghegh@sbu.ac.ir

Receive Date: 28.07.2020

Accept Date: 22.08.2020



مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت نظارت دستگاه‌های دولتی بر حریم خصوصی

مینو خاکی^۱، سید مصطفی محقق داماد^{۲*}، مهدی درگاهی^۳

چکیده

این مقاله با مطالعه‌ی قرآنی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی میزان، ضرورت و حدود مشروعیت حفظ نظام، منافع ملی و مصلحت عمومی و نیز تزامم و تقابل آن‌ها با حفظ حریم خصوصی افراد پرداخته است. اهمیت مسأله تحقیق این‌که افراد در جامعه و در مقام حیات جمعی، دارای حقوق مختلف-اعم از فردی و اجتماعی- هستند که عملاً بخشی از این حقوق با یکدیگر یا با حق فرد دیگر و مصلحت جمع، در تزامم هستند. از این رو برای برقراری نظم اجتماعی باید به قواعد جمعی استناد کرد که از یک‌سو حقوق و آزادی‌های فردی را به‌عنوان حریم خصوصی محترم شمارد و از سوی دیگر از حقوق اجتماعی یا مصالح عمومی پاسداری کند. در نتیجه با مطالعه قرآنی و بررسی منابع فقهی و البته ضمن رجوع به مبانی حقوقی و قوانین موضوعه مبتنی بر خرد عمومی، می‌توان گفت قوانینی که برای حفظ نظام و مصلحت عمومی وضع شده‌اند، گرچه بعضاً و از حیث ظاهر با حفظ حریم خصوصی افراد تداخل و تزامم دارند. اما عموماً و در حقیقت امر برای محافظت از همان حریم خصوصی و آرامش هر یک از افراد وضع شده‌اند.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، قاعده سلطه، قاعده اصل عدم ولایت، مصالح عمومی، تزامم نظارت

۱. دانشجوی دکتری رشته مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

۲. استاد تمام گروه حقوق اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. استادیار، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

ایمیل: m_mohaghegh@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: سید مصطفی محقق داماد

مقدمه و بیان مسئله

حقوق و آزادی‌های فردی نیز به‌عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان در تمام جوامع مطرح است و پذیرش قلمرو حریم خصوصی از مطالبات عمومی انسان‌ها و ازجمله مهم‌ترین موضوعات حقوق بشری است. از جهتی، با توجه به اینکه ضرورت‌های زندگی اجتماعی به جهت برقراری امنیت، نیازمند نظارت و مداخله دولت‌ها است که این ضرورت هم عقلانی است و هم مبانی شرعی و فقهی دارد؛ که از این جهت همان‌گونه که آزادی انسان مطلق نیست، حریم خصوصی هم به‌صورت مطلق معنا پیدا نمی‌کند.

از این رو، قاعده لزوم حفظ نظام با در نظر گرفتن قواعد فقهی مانند عدم تجسس در حریم خصوصی افراد، عنوان ثانوی «حفظ مصالح و امنیت نظام» را برای دفاع از حقوق اجتماعی افراد وضع نموده و از این طریق به مداخله و نظارت بر قلمرو حریم خصوصی افراد مشروعیت بخشیده و از این طریق آرامش افراد و حمایت از سرمایه‌های مهم زندگی ایشان را که همان حیثیت فردی آنان است، تأمین کرده است.

در ادامه با ذکر تعاریفی که از حریم خصوصی در دیدگاه صاحب‌نظران جوامع مختلف بیان شده است، مقصود از حریم خصوصی در این نوشتار معلوم می‌گردد و سپس مسئله نظارت عمومی بیان خواهد شد (صرامی، و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵).

پیشینه پژوهش

در خصوص این موضوع می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره نمود. افتخاری و صادقی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی قاعده «حفظ نظام» و ابعاد آن در نظام حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران نشان داده‌اند که گاهی ممکن است قاعده «حفظ نظام» با «حقوق عمومی» در تعارض و تزاخم قرار گیرد. همچنین وی در مقاله‌ای پژوهشی (افتخاری، اصغر، ۱۳۹۲ش)، تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه، سیاست متعالیه، سال اول، شماره اول، ص ۷۹-۹۶) به تشریح پیشینه کلامی و فقهی بحث مصلحت در نظام اندیشه شیعی پرداخته است. مضافاً در مقاله‌ای با مشخصات ذیل، به بحث از رابطه امنیت و مصلحت توجه شده است: سلیمانی، فاطمه، (۱۳۸۹)، نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه، مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۴، ص ۸۵-۱۱۷.

هدف پژوهش

هدف از این پژوهش شناخت حدود و ثغور ادله حفظ مصلحت نظام و میان کنش آن با حریم خصوصی افراد از منظر قرآن کریم و فقه مذاهب اسلامی است.

تعریف حریم خصوصی

در بین صاحب نظران این حوزه به طور کلی دو رویکرد در ادبیات مربوط به حریم خصوصی وجود دارد که نوع تعریف آنان از حریم خصوصی را نیز نشان می دهد؛ رویکرد تحول گرایان که اساساً از منتقدان حریم خصوصی و منکر وجود مستقل آن هستند و رویکرد انسجام گرایان که خود را مدافع ارزش های اساسی و منافع مربوط به حریم خصوصی می دانند.

برخی مانند بلوستین^۱، حریم خصوصی را معیاری بر تمایز افراد با یکدیگر می دانند و معتقدند انسانی که مجبور باشد همه دقائق زندگی اش را با دیگران در میان بگذارد، از فردیت و شرافت بشری محروم است و احساسات او به دلیل آنکه آشکارا مطرح می شوند اصیل نیستند و ارزش او در حد اشیاء مادی خواهد بود. و برخی دیگر مانند پراسر^۲ استاد برجسته آمریکایی، حریم خصوصی را مشتمل بر چهار امر متفاوت می دانند که تجاوز به آن موجب مسئولیت مدنی می گردد (محسنی، ۱۳۹۰).

علاوه بر تعاریفی که توسط اشخاص صاحب نظر در این زمینه ارائه شده است، گروه ها و سازمان های مختلف نیز در این زمینه تعاریفی را ارائه نموده اند. به طور مثال شورای اروپا در قطعنامه ۱۹۷۰ خود، در تعریف حریم خصوصی چنین آورده:

«حریم خصوصی عبارت است از امور مربوط به زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، امتناع از اینکه چهره ای کاذب از شخص ساخته شود، عدم افشاء وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، عدم افشای غیرمجاز تصاویر حقوقی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که اشخاص بر اثر اعتماد به دست آورده یا در اختیار آن ها قرار گرفته است.» (ر.ک: Resolution 428 of the Consultative (Parliamentary) Assembly of the Council of Europe (1970))

اما به نظر می رسد تعریف ای ال گودگین^۳ را می توان تعریفی جامع تر نسبت به دیگر تعاریف معرفی نمود؛ زیرا وی معتقد است که حریم خصوصی عبارت است از حق تصمیم گیری در خصوص

1 bloustein

2 prosser

3 E. L. Goodkin

این امر که دسترسی به چه میزان از اطلاعات، احساسات، تفکرات، کردارها و شئون شخصی (یک فرد) برای دیگران جایز است (محسنی، ۱۳۹۰). در این تعریف میزان دسترسی و اطلاع دیگران از حریم خصوصی افراد به عنوان یک قانون از طرف قانون‌گذار فرض شده است که در نظام اسلامی این محدوده را احکام الهی و فقهی تعیین می‌کند.

قلمروهای حریم خصوصی

حریم خصوصی را می‌توان در زمینه‌های مختلفی تبیین نمود که از جمله آن‌ها موارد ذیل است:

حریم مکانی

تمام افراد جامعه از حقوقی برخوردارند که داشتن حریم خصوصی مکانی از جمله آن‌هاست که بدون اجازه او نمی‌توان به آن مکان وارد شد. این حریم خصوصی به دو گونه متصور است؛ یکی حریم مکانی خصوصی مثل خانه مسکونی و دیگری حریم مکانی عمومی مانند چادر مسافرتی در پارک و یا اتومبیل.

حال سؤال اینجاست که آیا می‌توان در «مکان عمومی» نیز از حق خلوت برخوردار بود؟ حریم خصوصی، حق معطوف به «زندگی خصوصی» است، و روشن است در یک مکان عمومی، زندگی خصوصی داشتن، معنی ندارد؛ زیرا حریم عمومی دارای معانی خاص خود بوده که از مهم‌ترین آن‌ها این است که مکان عمومی مکانی است با اختصاص یافتن به شخص منافات داشته و همیشه باید برای تمام افراد عمومی بماند؛ از جمله این مکان‌ها خیابان، پارک و ادارات است که جنبه عمومی داشته و قابلیت آنکه برای شخص جنبه خصوصی پیدا کنند را ندارند (سروش، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

پس معلوم می‌گردد که داشتن حریم خصوصی به این معنا نیست که شخص بخواهد تنها باشد و قطعاً بااراده و میل خود نمی‌تواند یک مکان عمومی را به حریم خصوصی خود تغییر دهد؛ گرچه برخی از مکان‌های عمومی مانند پارک‌ها این قابلیت را دارند که افراد در آنجا محدوده‌ای را برای خود مشخص نموده و مدتی را در آنجا باشند، اما این به معنای داشتن حق و حریم خصوصی ایشان نیست؛ بلکه اقامت افراد در این مکان‌ها اولاً موقت بوده و ثانیاً صرفاً یک حق اولویت است که اگر زودتر از دیگران در آن مکان قرار گیرند که می‌توان آن را با قواعد فقهی مانند «قاعده من سبق» اثبات نمود که مطابق آن شخص می‌تواند در فضای عمومی، مثل پارک یا مسجد و غیره قبل از همه وارد شده و فضایی را برای خود ایجاد نماید و نسبت به دیگران حق اولویت در استفاده از آن مکان داشته باشد.

درواقع مطابق مفاد این قاعده، اگر کسی در استفاده از مکان مشترک و یا عام پیش‌دستی کند و جایی را به خود اختصاص دهد، از «حق» اولویت برخوردار می‌شود؛ البته برای قاعده من سبق نیز تقریرات مختلفی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تقریر محقق اصفهانی اشاره نمود که ایشان معتقد است که از این قاعده به دلالت مطابقی فهمیده می‌شود که هر کس مجازاست نسبت به چیزی که دیگران سراغش نرفته‌اند اقدام کند و آن را در اختیار بگیرد، و به دلالت التزامی می‌فهماند که ایجاد مزاحمت برای او جایز نیست (سروش، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

حریم جسمی

جسم هر شخص بخشی از حریم خصوصی است. لذا هرگونه اقدامی درباره «جسم دیگری» باید با رضایت او باشد؛ به‌عنوان مثل بازرسی، لمس و تفتیش بدنی یا آزمایش پزشکی از این دسته اموری هستند که در بحث از حریم جسمی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در اینجا تذکر این نکته مهم است که در مواردی مانند نوع پوشش، آرایش و امثال این‌گونه موارد که گرچه مربوط به جسم انسان هستند، اما جنبه عمومی دارند، نمی‌توان آن‌ها را حریم جسمی افراد تلقی نمود؛ زیرا این‌گونه رفتارها دارای جنبه‌های دوگانه «شخصی» و «عمومی» بوده و «انتقال‌دهنده» یک پیام خاص است که آثار اجتماعی و روانی در جامعه دارد.

حریم شخصیتی

انسان دارای کرامت ذاتی و خداوند متعال نیز به وی شخصیت و کرامت بخشیده و فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اسراء/ آیه ۷۰) از این جهت جان و مال و آبروی او محترم بوده و باید از تعرض مصون باشد و هر نوع رفتاری که کرامت و شخصیت افراد را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، تحت عنوان حریم شخصیتی انسان قابل بررسی است.

از جمله اموری که به حریم شخصیتی انسان مرتبط می‌شود، نوع اطلاعات و ارتباطات او با دیگران است که از طرق مختلفی مانند نامه، تلفن، اینترنت، نامبر، بی‌سیم و امثال آن‌ها صورت می‌گیرد. اما امروزه با توسعه ارتباطات و اختراع ابزارهای نوین برای استراق سمع، این کار خصوصاً توسط دولت‌ها در مسائل امنیتی به راحتی و بسیار سریع و ساده اتفاق می‌افتد که به جهت وضع قانون برای حفظ امنیت دیگر افراد جامعه در مواردی این عمل مجاز شمرده شده و در دیگر موارد نیاز به بررسی بیشتر دارد.

حقوق بشر و حریم خصوصی

حقوق بشر یک واژه دوپهلوی است که از آن هم حفظ حریم خصوصی افراد برداشت شده و هم توجه به احترام حقوق اجتماعی افراد جامعه مدنظر است. از این رو، سازمان‌های مختلف در این زمینه دارای اعلامیه‌ها و بخشنامه‌هایی هستند که در آن‌ها به حقوق فردی و اجتماعی افراد اشاره شده است.

از جمله این اعلامیه‌ها، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مطابق آن، هر انسانی حق دارد که در امر زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی با نظارت بر وی و مخدوش کردن حیثیت وی جایز نیست. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ هر فردی را دارای حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی معرفی کرده و در اصل ۱۲ نیز آمده است که نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌ای خودسرانه صورت گیرد و یا به شرافت، آبرو و شهرت کسی حمله شود (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳ و ۱۲).

کنفرانس حقوق‌دانان نیز که در نروژ برگزار شد، درباره حق رعایت حریم خصوصی در بند ۲ اعلامیه خود آورده است که حریم خصوصی حقی است که مطابق آن هر شخص نسبت به تنها ماندن، زندگی کردن باسلیقه خود و با حداقل درجه مداخله دیگران تصمیم می‌گیرد (کنفرانس حقوق‌دانان نروژ، بند ۲).

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز چنین آمده است:

هر انسانی حق دارد که در امر زندگی خصوصی خود استقلال داشته و جاسوسی با نظارت بر وی و مخدوش کردن حیثیت وی جایز نیست و باید از وی در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه حمایت شود (کنفرانس حقوق بشر اسلامی قاهره، ۱۴۱۱ق، ماده ۱۸).

و اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مدافع حقوق بشر در ایران محسوب می‌شود، چنین آمده است:

اصل بیست و سوم (۲۳): تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست‌وپنج (۲۵): بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. (ر.ک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۳-۲۵). همان‌طور که دیده می‌شود در بیانیه‌ها و کنفرانس‌های مختلف با گرایش‌ها اسلامی و حتی غیر اسلامی بر حفظ حریم خصوصی افراد در عین حفظ نظام اجتماعی تأکید شده است (نکویی مهر، ۱۳۹۸، ص ۲۲۲).

حریم خصوصی در حقوق اسلام

در منابع متعدد دینی بر حفظ حریم خصوصی افراد تأکید شده است؛ چنانکه خداوند متعال در این زمینه فرموده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا » (سوره حجرات/ آیه ۱۲) البته باید به این نکته توجه نمود که دستور به عدم تجسس بر مبنای سوء ظن در این آیه، به معنای دست کشیدن از دیگر احکام شرعی مانند قذف، لعان و امثال آنها که مرتب بر ظن هستند، نیست؛ بلکه دستور به عدم تجسس درجایی است که به زندگی اجتماعی فرد مرتبط نبوده و تزامم حقوق را به دنبال نداشته باشد؛ اما اگر اعمال شخص موجب تضييع حقوقی از دیگران به خصوص همسران که در زندگی هم مشترک هستن، شود، این حق را برای طرف مقابل ثابت می کند که در مورد فرد تجسس نمایند چنانکه بسیاری از احکام فقهی و حتی حقوقی بر همین امر مرتب هستند (طالبي، ۱۳۹۶، ص ۷۹-۹۷).

نکته مهم اینکه موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح «تحول-گرایانه» است؛ به این معنا که حریم خصوصی، در قالب رجوع به دیگر قواعد و مبانی فقهی-حقوقی مانند حق مالکیت، منع تجسس، اصل براءت، منع سوءظن، منع اشاعه فحشا، منع سب و هجو، منع نمیمه، منع غیبت، عدم خیانت در امانت و امثال آنها مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

در ادامه ادله و قواعد نقلی، عقلی و فقهی که در دین اسلام برای رعایت حفظ حریم خصوصی افراد وضع شده، بررسی شده اند:

ادله نقلی ناظر به حفظ حریم خصوصی

احکام و موضوعاتی که در منابع مختلف دین اسلام در مورد حقوق افراد ذکر شده است را می توان در دو حوزه مختلف بررسی نمود؛ بخشی از آنها به حفظ حریم خصوصی و عدم جواز تعرض و تصرف در آن اختصاص یافته و در برخی دیگر از آنها به حفظ حقوق اجتماعی دستور داده شده است. از این رو، ادامه مبانی شرعی حفظ حریم خصوصی و نیز قواعدی که برای این امر در فقه اسلامی وضع شده و استثنائات موجود در آنها اشاره می شود.

ممنوعیت تجسس و تجسس و تفتیش در قرآن کریم

در منابع دینی، ابتدای به ممنوعیت سوءظن به عنوان مقدمه، منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران اشاره شده است. چنانکه قرآن کریم در این زمینه فرموده است: ۱. «يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ...» (سوره حجرات/ آیه ۱۲).

«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذکرون» (سوره حجرات/ آیه ۲۷). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این به نفع شماست، شاید پند بگیرید». در تفسیر نمونه آمده است: (تستانسوا) از ماده انس گرفته شده، یعنی اجازه ورود همراه با تحیت، صداقت و مهربانی یعنی اجازه گرفتن باید کاملاً مودبانه و ارسای دوستی و بدوراز خشونت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۷).

۲. تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ «۲۸». «پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که بازگردید، برگردید (و ناراحت نشوید)، این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است».

۳. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است! و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدرشوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پادارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!».

روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه ذکر شده است که به‌عنوان مثال، امام علی (ع) در این زمینه فرموده است: «ضع امر اخیک علی احسنه حتی یاتیک ما یغلبک منه و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سئوا و انت تجدلها فی الخیر مهملاً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲).

سپس در آیات و روایت فراوانی بر ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران تصریح شده است؛ از جمله آن‌ها آیه «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ... و لا تجسسوا...» (سوره حجرات/آیه ۱۲) است که در این آیه به دو زمینه در باب حفظ حریم خصوصی اشاره شده است؛ اول آنکه در زندگی و حریم خصوصی همدیگر تجسس نکنند و دوم اینکه از غیبت و بدگویی که به نوعی نقض حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود پرهیز شود.

۴. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره نور/ آیه ۱۹). «آنان که (چون عبد الله ابی سلول و منافقان دیگر) دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آن‌ها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا (فتنه‌گری و دروغشان را) می‌داند و شما نمی‌دانید».

شاید اشاعه فحشاء فقط مختص تهمت و دروغ در خصوص عملی منافی عفت به زنان مؤمن نباشد بلکه وسعت مفهوم نشر فساد و اشاعه فحشاء باشد و در این صورت احتمال برقص و ضعف و پلیدی در حریم خصوصی افراد اگر وجود داشته باشد تجسس از آن‌ها حرام و به هرسبکی اشاعه عیوب مجاز نخواهد بود و مستوجب عذاب الهی در دنیا و آخرت خواهد بود.

۵. «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» این است، حدود الهی پس، از آن تجاوز نکنید (سوره بقره/ آیه ۲۲۹)، همچنین: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»، «و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است» (سوره نسا/ آیه ۱۴).

اصلاح امور و حفظ و ایجاد امنیت ملی و تأمین حقوق شهروندان از وظایف حاکمیت می‌باشد و این در حالی است که حاکمیت باید حدود الهی را از حدود مرز نگذراند بلکه در چارچوبی برای رفع نیازهای مردم باشد و در دولت اسلامی دستگاه‌های نظارتی باید مقید به موازین شرعی، و معیارهای اخلاقی باشند به شرط آنکه در جهت حفظ مصالح اسلام و تحکیم نظام عدل و انصاف را رعایت کنند چراکه دخالت در حریم خصوصی شهروندان حساب و کتاب دارد.

به نظر حضرت امام خمینی (ره) قدرت فقیه حاکم حدود مرز دارد و اطلاق آن به گونه‌ای نسبی است از جمله اعمال قدرت باید بر اساس موازین اسلامی، امور عمومی و مصالح عمومی باشد. از پیامبر اکرم (ص) نیز روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است؛ از جمله اینکه ایشان فرموده‌اند: «يَا كُمْ وَالظَّنَّ... وَ لَا تَتَنَاقَرُوا، وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَتَفَاحَشُوا...» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۹).

امام علی (ع) نیز در نامه خویش به مالک اشتر هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرد، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند توصیه فرموده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). البته در مواردی نیز حرمت و ممنوعیت تجسس برداشته شده و حکم به جواز آن صادر شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تفحص و تجسس در امر ازدواج
- تجسس کارفرما در امر کارگر جهت استخدام او
- تجسس اولیاء در مورد فرزندان نابالغ
- تجسس از دشمن داخلی و خارجی
- تجسس جهت تعیین وصی، قیم و وکیل در امور اولاد
- تجسس جهت حفظ عرض و آبروی افراد
- تجسس از کسی که خود ساتر عیوب و اسرار و گناهانش نیست
- تجسس در مقام ادای تکلیف مواجب نصیحت
- تجسس و تحقیق در مورد امام جماعت (حائری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۵)
- تجسس و تفحص در اطراف چیزی که افشای آن جایز است؛ چنانکه در روایتی آمده است: «مجالس مشروط به امانت‌اند، یعنی سخنان و مطالب آن‌ها نباید افشاء شود» مگر سه مجلس، مجلسی که خون حرام در آن ریخته شود، مجلسی که در آن ناموس حرامی حلال شمرده شود و مجلسی که مال حرام در آن حلال شمرده شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۷۳).
- در غیر از موارد ذکر شده تجسس در امور دیگران حرام و ممنوع شمرده شده است؛ مگر آنکه از طرف حاکم شرع منفعت یا غرض شرعی یا عقلایی برای آن ذکر شده باشد.

ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در منابع اسلامی، منازل اشخاص به‌عنوان حریم خصوصی ایشان لحاظ شده و ورود به آنجا منوط به استیناس (معرفی کردن خویش) و استیذان (طلب اذن ورود) شده است. قرآن کریم در این زمینه فرموده است: «لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها فإن لم تجدوا فیها أحداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم..» (سوره نور/آیه ۲۷-۲۸)

امام صادق علیه‌السلام علاوه بر اذن گرفتن، استیناس را نیز لازم دانسته و در بیان معنای استیناس فرموده است: «استیناس به این معناست که پای خود را بر زمین کوبیده و سلام گویان وارد شود» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۰۰).

ممنوعیت استراق سمع و بصر

فقه اسلامی سرشار از توصیه‌هایی در زمینه عدم تجاوز به حریم خصوصی اشخاص از طریق استراق سمع است. چنانکه پیامبر (ص) در این زمینه فرموده‌اند: «من استمع الی حدیث قوم و هم یفرون منه، صب فی اذنک» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۹) استراق بصر نیز همانند استراق سمع ممنوع است. پیامبر (ص) در این زمینه نیز فرموده‌اند: «من رأى عورة فسترها کان کمن أحمیا موءودة من قبرها» (پابنده، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۴۵) در قانون مدنی هم به این موضوع اشاره شده و هرگونه نگاه بدون اجازه به حریم خصوصی دیگران ممنوع شمرده شده است (قانون مدنی، ماده ۱۲۳).

ممنوعیت غیبت

نمینه یا همان غیبت به معنای ذکر القاب دیگران است که از راه‌های مختلفی مانند زبان، اشاره، رمز و یا حتی مکتوب صورت می‌گیرد. (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۷۷) فرقی نمی‌کند که ذکر القاب خوب و یا بد شخص غایب باشد؛ در هر صورت اگر به گونه‌ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی شود، غیبت محسوب می‌شود. سبب نیمه و غیبت نیز ممکن است وجود یک نیت سوء در شخص مرتکب نسبت به منتسب الیه باشد یا اظهار حب و دوستی مخاطب یا حتی تفرج یا فضولی کردن در امور منتسب الیه.

ممنوعیت سب و هجو و قذف

سب، هجو و قذف مؤمن به لحاظ ضربه‌ای که به شخصیت او زده و موجب نقض حریم شخصیتی او می‌شود، در منابع دینی ممنوع شمرده شده است. از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۸) برخی از فقها سب را عبارت از منتسب ساختن یک عیب یا نقص به دیگری یا نامیدن انسان‌ها با القاب و عناوین زشت و ناپسند همچون پست، رذل، حقیر، کافر، مرتد، جذامی و سایر القاب و عناوینی دانسته‌اند که سبب ایدای خاطر و اذیت منتسب الیه می‌شود. بنابراین در اینکه چه چیزی سب محسوب می‌شود باید به عرف رجوع کرد (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر

اسلام نه از ورود در حریم خصوصی انسان‌ها منع کرده است، بلکه به افراد جامعه نیز دستور داده که از افشای امور و مسائلی که برای دیگران فاش نشده و نوعاً کتمان آن‌ها برتر از ابزار آن‌ها تلقی می‌شود نیز خودداری کنند. از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرموده است: «مَنْ أَدَاعَ الْفَاحِشَةَ كَانَ كَمُبْتَدِّئِهَا...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۹۶).

مهم‌ترین دلیل این مورد را نیز می‌توان حفظ حریم خصوصی افراد و عدم فاش شدن خصوصیات فردی و اسرار پنهان ایشان دانست. موارد دیگری نیز از قواعد دینی وجود دارد که می‌توان ارتباط آن‌ها را با موضوع حفظ حریم خصوصی افراد تبیین نمود؛ اما به لحاظ رعایت اختصار از ذکر همه آن‌ها خودداری نموده و به همین مقدار اکتفاء شده است.

در پایان این بحث، تذکر این نکته لازم است که حقوقی که برای حریم خصوصی افراد لحاظ می‌شود، در صورتی است که با حقوق عمومی در تعارض نباشد؛ زیرا در صورت تعارض میان آن‌ها، حقوق عمومی مقدم می‌شوند.

قواعد عقلی ناظر به حفظ حریم خصوصی

پس از آنکه قواعد کلی شرعی که شامل نقل و عرف بود در باب حفظ حریم خصوصی بیان شد، در ادامه قواعد اختصاصی عقلی که در این زمینه وجود دارد بررسی شده‌اند.

عدم ولایت بر دیگران

مسئله وجوب نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان از جمله مسائل حیاتی است که می‌توان آن را با ادله بدیهی وجدانی، عقلی و شرعی ثابت نمود. مطابق داوری عقل و دلالت بدیهی وجدان، اصل و قاعده این است که هیچ‌کس بر کس دیگر ولایت و سلطه نداشته باشد. بنابراین «اصلی اولی» (در اینجا مراد قاعده و قضاوت عقل است) جایز نبودن دخالت در امور شخصی دیگران را اقتضا می‌کند. بنابراین به حکم عقل فطری، ولایت بر دیگران ممنوع بوده و اثبات ولایت بر دیگران به دلیل خاص احتیاج دارد. تجسس نیز نوعی ولایت بر دیگران است که به حکم عقل جائز نیست. (حائری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

ممنوعیت و حرمت عقلی ظلم

نقض حریم خصوصی اشخاص از جمله مواردی است که ظلم به دیگران را به همراه دارد و موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود. بنابراین عقل مستقل بدون استمداد از شریعت حکم بر ممنوعیت و حرمت ورود به حریم دیگران می‌نماید چراکه مصداق ظلم است (همان، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

حرمت عقلی مقدمه حرام

ورود به حریم خصوصی افراد مقدمه اشاعه فحشا و شیوع منکرات و از بین رفتن و هتک عرض و آبروی افراد است که از نظر اسلام حرام بوده و حتی در برخی موارد موجب ضمان می‌گردد که از جمله آن‌ها می‌توان به موردی اشاره نمود که شخص برای اطلاع از حریم خصوصی افراد و ورود خانه ایشان موجب آسیب رساندن به برخی اموال وی گردد که از این جهت هم ورود به خلوتگاه

دیگران حرام است و هم مقدمه آسیب رساندن به اموال وی شده که بازهم از محرّمات محسوب می‌شود(حائری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱).

قواعد فقهی ناظر به حفظ حریم خصوصی

پس از بیان قواعد نقلی و عقلی که ناظر به لزوم حفظ حریم خصوصی افراد بودند، در ادامه قواعد فقهی که ناظر به این موضوع هستند بررسی شده‌اند.

قاعده سلطه «الناس مسلطون علی اموالهم»

این قاعده، گرچه معمولاً در خصوص سلطه بر اموال کاربرد دارد؛ اما واژه «اموالهم» در این قاعده دارای وسعت معنای بوده و با قیاس اولویت و تنقیح مناط می‌توان گفت که شامل همه شئون انسان می‌شود که مراد از آن سلطنت انسان بر اعمال، حرکات، اموال و حتی روحیات و خصوصیات شخصی خویش بوده و تا زمانی که از ناحیه شارع یا قانون آن را همانند سفیه و مجنون، محدود یا ممنوع نکرده باشد، بر امور خصوصی خویش آزاد است (دانش پور، ۱۳۹۵، ص ۱۵-۴۵).

قاعده اصل عدم ولایت

مفاد این اصل که از جمله مهم‌ترین قواعد حقوق اسلامی محسوب می‌شود، هرگونه سلطه دیگران را بر جان، تن، مال و آنچه از شئون شخصی فرد باشد، نفی می‌کند درواقع طبق این اصل عدم عمومی بودن یعنی خصوصی بودن.

البته نکته مهم این است که درعین حال که این اصل به حمایت از عدم انحلال شخصیت فرد در جامعه می‌پردازد و برای او هویت مستقل در نظر می‌گیرد، نباید این اصل را به معنای بی‌اعتنایی به اهمیت مستقل در نظر می‌گیرد، نباید این اصل را به معنای بی‌اعتنایی به اهمیت امور عامه و تدبیر جامعه دانست و چه‌بسا گاه اعمال تدبیر در حمایت از حقوق عامه خود منجر به محافظت از حق خلوت و حریم خصوصی دیگر افراد جامعه شود.

قلمرو اجرای احکام توسط حکومت در حریم خصوصی

در فقه و اخلاق اسلامی، احکام و قواعدی توسط فقهای بزرگ شیعه استخراج گردیده که بیانگر احترام به حوزه خصوصی افراد است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها قاعده تسلیط از مرحوم علامه مجلسی و عدم ولایت از امام خمینی است که اولاً ضرورت نفی اطلاع و نظارت دیگران در حوزه خصوصی افراد را ثابت نموده و ثانیاً سلب ولایت و سرپرستی دیگران را ثابت کرده است. اما به‌واسطه پیوند حوزه عمومی و خصوصی با یکدیگر و تأثیرگذاری متقابل مناسبات هر دو حوزه بر یکدیگر، دخالت در حوزه خصوصی بعضاً با ملاحظات خاصی از حکومت، ناگزیر می‌شود.

در مکتب فقه سیاسی امام خمینی ضمن احترام به حریم خصوصی افراد و حرمت تعرض به آن بر مبنای قاعده تسلیط، دو قاعده مهم «لاضرر» و «مصلحت نظام» که طرح بدیع و متناسب با روش اجتهادی خاص امام خمینی (ره) برای مقتضیات زمان و مکان بود، دایره این حوزه را تنگ می‌نماید. لذا می‌توان گفت امام خمینی (ره) از پایه‌گذاران نظریه مصلحت در تفکر سیاسی شیعه هستند که بر مبنای اندیشه فقهی - سیاسی ایشان، رابطه حوزه خصوصی با احکام و قواعد فقهی و با نظارت حکومت بر محور عناصر ذیل تبیین می‌گردد:

نظارت و نسبت آن با حریم خصوصی

نظارت بر عملکرد دیگران گاه به صورت مردمی و گاه حکومتی و دولتی انجام می‌شود. آن بخش از نظارت که در حریم خصوصی افراد ناشایست محسوب می‌شود، نظارت مردمی بدون امر حکومتی و شرعی است؛ اما نظارت حکومتی که در حکومت اسلامی با رعایت موازین و دستورات شرعی صورت می‌گیرد، امری متفاوت است (مرتضایی، ۱۳۹۲، ص ۲۷).

پیشینه فقهی نظارت

نظارت از دیدگاه فقه سیاسی اسلام پیشینه‌ای طولانی دارد و می‌توان آن را همزاد اسلام دانست؛ زیرا از دیدگاه اسلام همه اعمال انسان ثبت و ضبط و توسط ناظران الهی کنترل می‌شود. رفتار اجتماعی انسان و به‌ویژه عملکرد کارگزاران حکومت اسلامی همواره تحت نظارت بوده است و حتی در حکومت پیامبر اکرم (ص) و امیر المومنین (ع) انواع نظارت حکومتی تأسیس و اعمال شده است. آنان هم نظارت درون‌سازمانی را تأسیس و اعمال کردند و به حاکمان و کارگزاران خود در شهرها و استان‌ها دستور تعیین ناظر و نظارت در قلمرو حکومت آنان دادند و هم نظارت برون‌سازمانی را تأسیس و اعمال کردند تا بر کارگزاران و والیان خود در همه شهرها و استان‌های حکومت اسلامی نظارت کنند. (ر.ک: همان، ص ۳۲)

ارتباط امنیت و نظارت با حریم خصوصی

از آنجاکه امنیت یک ضرورت و نیاز بدیهی هر جامعه بوده و از طرفی از اهداف مهم هر حکومتی در دنیا تأمین امنیت است، از این‌رو، امنیت و حکومت تفکیک‌ناپذیرند و هر کدام بدون دیگری معنا ندارد. امروزه امنیت مفهومی فراتر از عدم تهدید و خطر نظامی دارد، زیرا ناامنی با شیوه‌های جدیدی پدید می‌آید.

دشمن‌شناسی و نظارت بر دشمن مهم‌تر از جنگ و تسلط نظامی است. بنابراین، در کنار نهادها و مراکز نظارتی (مانند دیگر کشورها) تأسیس نهاد و سازمان اطلاعات و امنیت به‌منظور شناسایی توطئه‌های داخلی شناسایی طرح‌های نظامی خارجی و شناسایی تهدیدها، تأمین امنیت عمومی،

غافلگیر نشدن، پیشگیری و آمادگی مقابله و دفع خطرهای احتمالی، ضرورتی انکارناپذیر است (همان، ص ۲۰۶).

از این رو، ورود به حریم خصوصی برخی افرادی که احتمال توطئه و تخریب از جانب آن‌ها وجود دارد برای دستگاه‌های نظارتی و حکومتی امری اجتناب‌ناپذیر است. این مطلب را می‌توان با قواعد و ادله عقلی و نقلی نیز اثبات نمود که از مهم‌ترین آن‌ها همان قاعده تقدیم اهم بر مهم است که هم مورد تأیید عقلاء بوده و هم در عرف جامعه که برگرفته از سیره عقلاء است به آن عمل می‌شود و از این جهت در شریعت اسلامی نیز بر آن مهر تأیید زده شده و می‌توان در موارد مختلف از جمله نقض حریم خصوصی افراد به خاطر دستیابی به منافع اجتماعی و تأمین امنیت آنان استفاده نمود.

مصلحت

مصلحت از ریشه صلح است که تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته از جمله اینکه عبارت است از «منفعتی که شارع در احکام برای بندگان در نظر گرفته است (رمضان البوطی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). در مکتب فقه سیاسی امام خمینی همه احکام و قواعد در پرتو مصلحت تعبیر و معنا می‌شوند؛ اما این مصلحت ناظر به یک غایت مهم و اساسی است و آن حفظ اسلام و نظام اسلامی به‌منظور تحقق عدالت است. امام خمینی (ره) همه آحاد مردم را موظف به حفظ جمهوری اسلامی دانسته و هیچ امری را قابل‌مقایسه با حفظ مصلحت نظام نمی‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۳۵). ایشان در گفتمان فقه المصلحه خود چنین فرموده:

حفظ اسلام یک فرضیه الهی است، بالاتر از تمام فرائض؛ یعنی هیچ فرضیه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزو فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرائض است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۳۲۹).

از این رو معلوم می‌گردد که در نگاه امام خمینی (ره) حفظ مصلحت نظام بر حریم خصوصی افراد تقدم داشته و در صورت تعارض باید به حفظ نظام پرداخت و از تعرض به حریم خصوصی جائز خواهد بود.

ولایت مطلقه فقیه و حکم حکمتی

در نظام اسلامی، ولی فقیه از جایگاه خاصی برخوردار است؛ به طوری که اگر مصالح اهم اجتماعی مسلمانان با یکی از احکام اولیه شرعی مانند حفظ حریم خصوصی افراد در تراحم قرار گیرد، ولی فقیه موظف به حفظ مصالح عالی جامعه اسلامی بوده و به خاطر حفظ اهم اجتماعی باید موقتاً آن حکم شرعی فرعی را موقتاً تعطیل اعلام کند. امام خمینی (ره) در تعریف حکم حکومتی معتقدند:

ولی فقیه مجری احکام الهی است که از طریق شارع مقدس وضع شده‌اند؛ اما تشخیص میزان اهمیت و تقدم هر کدام از احکام فردی و اجتماعی از جمله اختیارات ولی فقیه است که از آن به حکم حکومتی تعبیر می‌شود؛ منظور از احکام حکومتی احکامی است که از اختیارات و ولایت مفوضه الهی به ولی و حاکم اسلامی محسوب شده و در پرتو آن می‌توان با توجه به مصلحت و مفسده ملزمه‌ای که تشخیص داده می‌شود، حکمی را صادر نمود و یا تغییر داد و نیز مقرراتی را وضع کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۷۰)

به این معنا که با تشخیص ولی فقیه ممکن است یک حکم اجتماعی بر دیگر احکام اولویت و اهمیت بیشتری پیدا کند و از این جهت اجرای آن مقدم بر احکام فردی و خصوصی شود که در این صورت می‌توان حریم خصوصی را به خاطر اجرای حکم حکومتی و منفعت اجتماعی نقض نمود (طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۸۳).

از نظر امام خمینی حکم حکومتی در مرحله تزامم بر فتوا مقدم بوده و بر آن حاکمیت دارد. وی در این رابطه حتی فرمان ۸ ماده‌ای را نیز صادر کرد که سه بند آن به نحوه مداخله دولت در حریم خصوصی افراد اختصاص دارد؛ اما به علت رعایت اختصار از ذکر همه آن‌ها خودداری شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۳۳۰).

اجبار حکومت در اجرای شریعت در حریم خصوصی

حاکمیت حاکم اسلامی برای اجرای فرامین الهی است که به هیچ حوزه‌ای محدود نمی‌شود؛ لذا دولت اسلامی که برای عینیت بخشیدن به شریعت و به اجرا گذاردن احکام تشکیل می‌شود باید احکام شرع را در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان، به اجرا گذارد (سروش، ۱۳۹۴، ص ۱۵۹).

عدم محدودیت حکومت اسلامی در اجرای احکام الهی را می‌توان از آیات (سوره حج/آیه ۴۱)، روایات (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵) و قواعد مختلف عقلی و عرفی ثابت نمود. به عنوان مثال در موضوع امر به معروف و نهی از منکر که پیام اصلی آن این است که هر جا امر به معروف و نهی از منکر مؤثر نبود حاکم اسلامی مجاز است به اقدام عملی مبادرت نماید، هیچ تفاوتی میان حوزه خصوصی و حوزه عمومی ذکر نشده است.

تزامم احکام در مقام اجرا

احکام در مقام اجرا دچار تزامم می‌شوند مثلاً «وَجُوبُ نَجَاتِ غَرِيقٍ» و «حُرْمَتُ عُبُورِ بِيْ اِجَازَةِ اِزْمَلِكٍ غَيْرِ» دو حکم شرعی‌اند که در مقام ثبوت یا اثبات شرعی، هیچ‌گونه اصطلاحی باهم ندارند، ولی در مقام عمل، ممکن است دچار تزامم گردند، مثلاً آنجا که فردی در خانه‌ای، در معرض مرگ است و

در آن زمان، اجازه گرفتن از صاحب‌خانه ممکن نیست، هر دو حکم مذکور، قابل اجرا نیستند؛ زیرا اگر آن فرد را نجات دهیم، بدون اجازه وارد خانه دیگری شده‌ایم و اگر بخواهیم بی‌اجازه در خانه دیگران وارد نشویم باید آن فرد را رها کنیم تا بمیرد.

در چنین مواردی چاره‌ای جز فدا کردن دستور مهم و عمل نمودن به دستور مهم‌تر، وجود ندارد که از آن به‌قاعده «هم و مهم» تعبیر شده است. قاعده «تقدیم اهم بر مهم» قاعده‌ای عقلی است که همه انسان‌های عاقل آن را ادراک می‌کنند و بدان ملتزم بوده و در تراحم وظایف فردی خود، به آن عمل می‌کنند و کار کم‌اهمیت را فدای کار پراهمیت می‌سازند (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵).

مصلح و مفاسدی که در روح احکام شریعت بر پایه آن‌ها قرار گرفته است، همه در یک سطح و در یک درجه نبوده و برخورد مصالح اجتماعی با مصالح فردی، مشمول باب تراحم و تقدیم اهم بر مهم می‌شود که قاعده‌ای عقلی است و مقتضای آنکه خالی از تخصیص است این است که در همه‌جا تبعیت از اهم لازم است و همه انسان‌های عاقل آن را درک می‌کنند و به آن ملتزم می‌شوند (همان، ۱۳۶۸، ص ۲۴۵).

البته رفع تراحم از احکام اسلامی کاری بسیار سخت است لذا رهبر و حاکم اسلامی که ویژگی آگاهی بر مقتضیات زمان و مصلحت نظام اسلامی و شناخت حکم را دارد باید وارد عمل شود. اینجاست که در مقام اجرا دستورهای اسلام را در بعضی از قوانین به‌صورت موقت باید به جهت تحقق امر مهم‌تر یا موقتاً و یا برای همیشه تعطیل نمود.

درنهایت از این مطالب چنین برداشت می‌شود که از دیدگاه امام خمینی (ره) حکم حکومتی از احکام اولیه اسلام است که به‌جهت حفظ نظام اسلامی بر هر حکم دیگری اولویت داشته و اجرای آن مقدم بر تمام احکام، از جمله حفظ حریم خصوصی افراد است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار بیان شد، نتایجی ذیل به دست می‌آید:

۱. حفظ حریم خصوصی افراد در همه جوامع بشری اعم از اسلامی و غیر اسلامی مورد اهتمام بوده و برای آن قوانینی وضع نموده‌اند.
۲. اسلام و احکام الهی نیز برای حفظ حریم خصوصی افراد احترام قائل بوده و آن را از جمله احکام مهم خود شمرده و تعرض به آن را حرام و ممنوع اعلام کرده است و برای آن قواعد مختلف قرآنی، روایی، فقهی و عقلی را وضع نموده است.

۳. در برخی موارد میان حفظ حریم خصوصی افراد و منافع اجتماعی تعارض ایجاد می‌شود که در صورت دوام تعارض، حقوق عمومی بر حریم شخصی افراد ترجیح داده شده و در واقع حق فردی به سود مصلحت جمعی قابلیت نقض دارد.
۴. در نظام اسلامی اصل اولی بر آن است که نقض حریم خصوصی افراد جائز نیست، اما به جهت حفظ منافع عمومی و نیز تأمین امنیت اجتماعی، می‌توان متناسب با حکم حکومتی و مصلحتی که ابلاغ آن بر عهده ولی فقیه است، حریم خصوصی را نقض نموده و از مواردی مانند جاسوسی، توطئه، جنگ و غیره پیشگیری کرد.

منابع

قرآن (ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای)

نهج البلاغه

- انصاری، باقر (۱۳۹۳)، **حقوق حریم خصوصی**، انتشارات سمت، تهران چاپ چهارم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸)، **ولایت فقیه؛ رهبری در اسلام**، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- حائری، محمدحسن و شاملی، نصرالله و علی‌اکبری با بوکانی، احسان (۱۳۹۱)، **تجسس، مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی**، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، **قرب الإسناد**، (ط - الحدیثه)، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- دانش پور، افتخار (۱۳۹۵)، **بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی**، دو فصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن دوره ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان، ص ۱۵-۴۵.
- رمضان البوطی، محمد سعید (۱۳۸۴)، **مصلحت و شریعت**، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، نشر گام نو.
- سروش، محمد (۱۳۹۴)، **مبانی حریم خصوصی**، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲ق)، **الخصال**، تحقیق: تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
- صرامی، سمیه؛ نفیسه نکویی مهر؛ عاطفه حسینی فرد؛ محمدجواد عبداللهی (۱۳۹۹)، **حق بر امنیت اجتماعی با تأکید بر آیات و روایات**، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۱۱، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۱۲۵-۱۴۸.
- طالبی طادی، بهنام (۱۳۹۶)، **بازخوانی مفهوم حریم خصوصی از منظر فقه امامیه**، دو فصل‌نامه پژوهشنامه فقه و نظام‌سازی عدالت سال اول، شماره ۲، پائیز و زمستان.
- طباطبایی، سید محمدحسین و دیگران (۱۳۴۱ش)، **بحثی درباره‌ی مرجعیت و روحانیت**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ سوم.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامية)، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد
آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

محسنی، فرید (۱۳۹۰)، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران. ایالات متحده و فقه امامیه)
انتشارات دانشگاه امام صادق چاپ اول.

مرتضایی، سید احمد (۱۳۹۲)، مبانی و ساز کار نظارت در حکومت اسلامی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام
خمینی (ره).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ: سی و دوم، تعداد جلد: ۲۷.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نکویی مهر نفیسه؛ عاطفه حسینی فرد؛ رضا سلطانی (۱۳۹۸)، نقش دولت با محوریت اخلاق دینی در پیشگیری
از نقض محرمانگی داده‌ها در فضای مجازی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۱۰، شماره
۳۹، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۲۲۱-۲۴۲.

Resolution 428 of the Consultative (Parliamentary) Assembly of the Council of Europe (1970)

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خاکی مینو، محقق داماد سید مصطفی، درگاهی مهدی، مبانی قرآنی و قواعد مشروعیت
نظارت دستگاه های دولتی بر حریم خصوصی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴،
تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۸۹-۲۰۸.